

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

درویش وردک

۱۶ اگست ۲۰۱۵

مجلس شصت و یکم (در خواطر انسان)

قسمت اول

شیخ عبدالقادر (قدس سره) روز بیستم ماه رجب سال ۵۴۶ هجری قمری، در مدرسه فرمودند: پرسنده ای از آنچه که در دل میگذرد پرسید، بدو گفته شد چه چیز ترابه خواطر و مسائل اندرونی آگاهانیده است؟ بدان که یادهای اندرونی تو، از شیطان و هوای نفس و دنیا است، غم تو همان است که ترا فرا گرفته است، تذکرات نهانیت نیز از سنخ همان علایق مادی است. وقتی خواطر بیاد حق مشغول میشود، که دل از یاد غیر خداتهی باشد، همانگونه که فرموده است: «مَعَادُ اللَّهِ أَنْ تَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَاعًا عِنْدَهُ» هر گایاد خدا در دل توجای گرفت، قلبت از مهر حق مملو می شود، و خواطر اندیشه های نادرست که پایه و اساس آنها از شیطان و هوای و هوس دنیا است، از تو میگریزند. یاد آخرت را خاطریست، نفس را خاطری است، و قلب را خاطری، و یاد حق را نیز خاطری است، پس ای صادق راستین، بر تو لازم است که تمامی خواطر را از دل بزدانی، و تنها یاد خدا را در دل جای دهی. هرگاه از یاد دنیا، و نفس و شیطان دوری نمودی، یاد آخرت در قلبت جاگزین میشود، و در پی آن مهر حق را خواهی یافت، که غایت آمل و آرزو هاست. هرگاه قلب سالم شد، اگر از او بپرسی چه خاطری داری، و به که مشغولی؟ جواب خواهد داد: جز یاد حق چیزی در اندرون من نیست.

(یا غلام) در راه معرفت و شناخت خداوند کوشش کن، که این کار اصل تمام خیرات و برکات است. هر وقت در طاعت حق کوشابودی، به معرفت خواهی رسید، پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وسلم) در این مورد فرموده است: «إِذَا أَطَاعَ الْعَبْدُ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَعْطَاهُ مَعْرِفَتَهُ، فَإِذَا تَرَكَ طَاعَتَهُ لَمْ يَسْلُبْهَا مِنْهُ بَلْ يَبْقِهَا فِي قَلْبِهِ لِيَخْتَجَّ بِهَا عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَقُولُ لَهُ: مِيزْتُكَ بِمَعْرِفَتِي، وَتَفَضَّلْتُ عَلَيْكَ بِهَا، لِمَ لَمْ تَعْمَلْ بِمَا عَلِمْتُ» - (هرگاه عبد خدای را طاعت کرد، خداوند او را به معرفت خویش نایل میسازد، و هرگاه ترک طاعت کرد، آنرا (معرفت) از وی سلب نمی کند، بلکه در دلش باقی می گذارد، تا روز قیامت علیه او گواهی دهد و با او به ستیزه برخیزد، خداوند او را میگوید: ترا به معرفت خو متمایز کردم، و مشمول فضل و عنایت قرار دادم، چرا بداند چه آموخته بودی عمل نکردی؟).

(یا غلام) آنچه را که در دست داری از جانب حق نیست، بلکه این طلب دنیا و شرک و اتکاء بخلق است که فصاحت و زبان آوریت را موجب شده و ترا وادار نموده است که روی خویش را بظاهر زرد کرده، و جامه وصله دار بپوشی.

باید خود را کوچک شماری، و راز درونیت را پنهان داری، تا آنکه که به تحدث نعمت مأمور گردی. ابن شمعون (درو خدا بر او باد) هر وقت کرامتی برایش حاصل میشد، میگفت این از نیرنگ شیطان است، و بر این حال می بود، تا زمانی که طرف خطاب واقع میشد، و بدو میگفتند: تو کیستی؟ و پدرت کیست؟ به نعمت خداوندی تحدث کن.

موسی علیه السلام در مناجات خدای اینچنین میخواند (پروردگارا مرا بیاموز)، بدو خطاب رسید: ترابه شناخت خویش سفارش می کنم، و مرا طلب نما، چهار بار درخواست را تکرار میکرد، و هر دفعه مانند بار اول جواب میشنید. دقت کن، هیچگاه بدو گفته نشد دنیا را طلب کن و آخرت را رها کن، این جوابها بر این ام دلالت می کند که به وی گفته شده است ترابه طاعت امر می کنم، و از معاصی بر کنارت میدارم، و ترا به قرب خود میخوانم، ترابه توحید سفارش می کنم و عمل صالح، ترابه اعراض و روی گردانی از ماسوای خود فرامیخوانم. هرگاه قلبت درست و سالم شد خدای را خواهی شناخت قلب جز خدا را انکار میکند، و تنها انست بخداست، از غیر او وحشت دارد، راحت خود را در جوار حق و رنجش را در کنار وجوار خلق می بیند.

بار خدایا، گواه باش که من در پند و اندرز به بندگان تو تاحد مبالغه پیش رفتم، و تلاش و کوشش در جهت اصلاح آنان است. ای عابدان، وای زاهدان، وای گوشه نشینان! بیائید، گفتار مرا هر چند کوتاه و مختصر، بشنوید روزی یاهفته ای را با من بگذرانید! شاید چیزی را که نفع شما در آن باشد از من بیاموزید. وای بر شما! اغلب شما گرفتار هوس می باشید، در صومعه هایتان به خلق پرستی مشغولید، و این بعلت آنست که در خلوتها خود با جهل قرین شده اید.

وای بر تو! در طلب علم و علمای عامل جدوجهد نما تا آنجاکه از رفتن باز میمانی، چنان بدنبال علم و علمای عامل بتک خیز، که در پناهیت توانی باقی نماند، و وقتی ناتوان شدی، آنگاه با قلب و باطن جويا و پویا باش، و همینکه توان ظاهر و باطن را از دست دادی، بدان که بقرب حق رسیده، و به باب رحمت واصل شده ای. هرگاه قدمهای قلبت نیز از رفتن باز ایستاد، آن نیز نشان قرب است، پس دیگر در این حال تسلیم شو و به استراحت پرداز. و در اینچنین حالی هر زمان صومعه برایت ساختند، یا درویرانه ای مکانت دادند، یا به آبادانی گسیلت کردند، بدان که دنیا و عقبی، جن و انس کمر بخدمتت بسته اند. وقتی مقام قرب برای بنده ای تحقق یافت، ولایت و نیابت بدو تفویض می شود، تمام موجودی خزانه غیب بر او عرضه می گردد، و تمام آسمانها و زمین و آنچه در آنها ساکنند، وی را یاری می کنند، بخاطر منزلت، صفای باطن و نور قلبش، ایمان و اسلام عبد در این حال متوقف نمی شود، بلکه همواره خوف و رجا، روزه و نماز و شب بیداریش از دیداد می یابد، از اینروست که قوم (راستان) از خواب غفلت بیدار شده اند، و از خلق گریزانند، و با جانوران مأنوس شده، از برگ گیاهان و آب آبیگرها استفاده می کنند، و خورشید در نظرشان تیره، و بامام و ستارگان همدند.

بیائید این ادعاهای باطل، و این قیل و قالهای بی معنی را رها کنید، با همسایگان مصاحبت بیش از حد نداشته باشید، و بادوستان بدون جهت وقت صرف نکنید، که این جز هوس چیزی دیگری نیست، چون غالبا دروغ و غیبت و معصیت از اینگونه همنشینها بوجود می آید. کسی از شما نباید از خانه خارج شود، مگر برای مصالح خود یا تهیه و سله معاش اهل و فرزندش. کوشش کن در محاوره آغازگر کلام نباشی، بلکه همواره جوابگو باش. اگر کسی چیزی را از تو پرسید، بنگر که آیا در جواب مصلحت تو یا او یا دیگری نهفته است یا خیر، در صورتیکه در برادرنده مصلحتی نبود، از جواب دادن خودداری کن.

قوم (اولیاء الله)، در تمام احوال به خدا می اندیشند، «یوتون ما تواتو قلوبهم و جله» (آنچه باید انجام دهند، انجام داده اند و دلهايشان خوفناک است). از آن میترسند که بعلت فریفتگی بازخواست شوند، از آن میترسند که مبادا اینمان در نزدشان عاریتی باشد! آحادی از آنان نعمت های و بخشایش خداوند بدیشان روی می آورد، و دلهايشان را به باب قرب داخل میکند، اجازه دخول به دار قرب می یابند، از اولیاء الله، ابدال، و انبیاء (علیهم السلام) و برجستگان خلق می گردند، به مقام سلطان دلها میرسانند و به نیابت حق نائل میگردند، خدای آنانرا در زمین خلافت الهی عطا می فرماید و به حکمت خود به نطقشان و امیدارد گرامی و بزرگویشان میدارد موردیاری و عنایت خود قرار میدهد، قدمهايشان را در راه حق استوار و ایمانشان را راسخ می کند، به زیور تاج معرفتشان می آراید. تمام جن و انس و فرشتگان در مقابلشان بخدمت حاضرند،

دل‌هایشان به نور اسرار روشن میشود. هر یک از آنان پادشاهی است که بر تخت سلطنت دل‌ها نشسته است. و لشکریانش در بلاد به ارشاد و راهنمایی خلق مشغولند، و به شکست جنود ابلیس سرگرم.

(یا قوم) از آثار و راه اولیاء الله پیروی نمائید، تمام هم و غمتان خوردن و نوشیدن و لباس و زناشویی و جمع مال دنیا نباشد، آنان تمامی همشان عبادت و ترک عادات است. درگاه آنان را بجوئید و همان رحل اقامت افکنید. از درگاه حق مگریزید، خداوند بانزول آفات شمار از خواب غفلت بیدار میکند، امراض و گرسنگی بجهت آزمایش و بیداری است، از جمله کسانی مباشید که دچار اشتباه شده اند، و در اینگونه موارد نمیدانند که اراده حق چیست. خدای را پرستش کنید، و اخلاص داشته باشید. آیا نشنیده اید که خداوند عزوجل چه فرموده است: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُنِي» - (جن و انس را نیافریده ام، مگر برای عبادت) پس اگر این امر (عبادت خداوند) برای تحقق یافته است، و بدان آگاهی یافته ای، از طریق حق کناره مگیر، و در عبادت او کوشا باش. کسانی که از عبادت حق روی گردانند، نمیدانند برای چه آفریده شده اند، اما آنان که بر جاده حقیقت استوارند و اهل تحقیق اند، بخوبی میدانند که برای عبادت و بندگی ذات اقدس حق آفریده شده اند، و میدانند که پس از مرگ زنده میشوند، و نتیجه اعمال خود را می بینند.

(یا غلام) بدان که امور باطنی آشکار نمی گردد، مگر بعد از وصول به پیشگاه حق، و قیام بر درگاه با عظمت او، و دیدار و ملاقات با واقفین بر آن پیشگاه. هرگاه با حسن ادب راهی باب حق شدی و متواضع و فروتن در آنجا و قوف نمودی، در رحمت یزدانی بر قلبت گشوده می شود، مجذوبت کرده و به قربت میرساند، و در آنجاست که هر کس شایستگی جذب داشت مجذوب است، و هر که را باید قریب گردانند، مقرب میشود، و هر که را شایسته بود، مورد مهر و سرور و اطمینان خاطر قرار میدهند، و آنرا که ارزش کلام یافت، با وی سخن می گویند. ای غافلین از این نعمت های حق عزوجل، در کجائید؟! چرا دل‌هایتان تا این اندازه از آنچه که بدان اشاره کردم دور است؟ آیا می پندارید که این کارسانی است، و با تصنع و ظاهرسازی برایتان حاصل میشود؟ آگاه باشید که این کار نیازمند صدق و صفاست، محتاج صبر و شکیبایی در مقابل سختیها و مقدرات است.

اگر زمره کسانی هستی، که در معصیت حق بوده ای، و از جمع معاصی و گناهان ظاهر و باطن توبه کرده ای، و در بیابان‌ها در طلب لقاء الله هستی، بدان که در این حال آزمایش الهی بسر اغت می آید، و مورد ارزیابیت قرار می دهد، (اینگاه) باید آنچه از دنیا و راحت و سلام در اختیار داری! همه را فدا کنی، و بر تمام مشکلات صابر باشی، آنگاه است که ملک دنیا و آخرت بتو روی می آورد، و توبه ات مورد قبول واقع میشود، و در غیر این صورت هیچ گون توفیقی حاصل نخواهی کرد.

ای تائب، در توبه ات ثابت قدم باش و اخلاص بورز، و به هنگام بلایا سکون و آرامش خود را حفظ کن، چون خداوند عزوجل در این مورد باشد بیداری، تشنگی، گرسنگی، و روز جدائی از میان دوستان، بنده را می آزماید. آیا قصه ایوب (علیه السلام) را نشنیده ای؟ وقتی خدای عزوجل اراده فرمود که محبت او را بیازماید، و ارواح خاص خویش گردانده، وی را از فرزندان و دارائی و خدم جز همسرش کسی برایش باقی نماند، همسرش روزها مردم را خدمت میکرد و مختصر قوتی برایش تهیه میکرد، تا آنجائی که گوشت بدنش (ایوب) تمام ریخت و نیرو و توانش را از دست داد، تنها چشم و گوش و دلش باقی ماند (سالم ماند)، در این حال عجایب صنعت خداوند را میدید، به زبان ذکر میکرد، و بدل مشغول مناجات بود، عجایب قدرت رابه دیده باطن مینگریست، فرشتگان درودش می گفتند و زیارت مینمودند، او نیز از انس بریده به انس پیوسته، با اسباب و وسایل قطع رابطه کرده بود، و به محبت و قدرت حق متوسل شده بود، کارش صبر بود که آغازی تلخی و انجام شیرین داشت، ایوب (علیه السلام) در میان آتش، شیرین و گوارا بود.

قوم بهنگام بلاصابرند، نه چون شما بی تاب و بیقرار. بلاها گونه گونه اند، گاه جسم و بدن را دربرمی گیرند، و گاهی به قلب نیز سرایت می کنند. و گاهی از جانب خلق است، و گاهی از سوی خالق هرکه مورد آزار و آزمایش واقع نشد، سودی نکرد، و آزمایشات الهی بسان پرندۀ گوشت رباست، باید در برابر آن ایستادگی و مقاومت داشت.

نهایت آرزوی عابد و زاهد دردنیای کرامت و در آخرت بهشت است، اما آرزوی عارف بقای ایمان در دنیا است و رهائی از آتش دوزخ در قیامت، همواره در این آرزوست تا اینکه به قلبش الهام می شود، این چه حالتیست؟ ساکن و ثابت باش، تو مقبول القولی، موجب رهائی عده زیادی از مردم خواهی بود، تودرپیشگاه رسول اکرم (صلی الله علیه وسلم) که سرور شافعیان است قرار داری و این بشارت ثبات ایمان است. بشارت سلامت و عافیت، و همراه شدن با انبیاء و مرسلین و صدیقین که خواص و برگزیدگانند، میباشد، که هرگاه آنان احساس امنیت بیشتری کنند، خوفشان فرونی می یابد، و زبان شکرشان گویاتر می گردد.

قوم راستان در معنی قول خدای عزوجل تفکر و تعقل کرده اند که فرموده است: «يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ»-«لَا يُسَالُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ»، «وَمَا تَشَاؤُنَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ»

(شمانیز) تعقل نمائید، خداوند هر آنچه را که اراده فرماید، انجام میدهد، نه آنچه را که مردم بخواهند، عطا و بخشش را تنها باید از او توقع داشت. قوم (اولیاء الله) در برابر تسلیم اند، (خداوند) ایشان را متغیر و متحول میسازد، نزدیکشان میدارد. و گاهی دور میکند و زمانی عزیز، اما در تمام این احوال آنان چون کوه استوارند، و کمترین تزلزلی در عبودیت و حسن ادبشان روی نخواهد داد.

بار خدایا، در مقابل خود و بندگان صاحبالت مارا بحسن ادب دار، مارا به دلبستگی به اسباب و علایق دنیوی میازمای، توحید و توکل مان را ثابت بدار، بوجود خودت مارا مستغنی بدار، نیاز مندیهایمان را تو برآور، مارا به گفتار و رفتارمان مگیر، باکرم و عفو خود با ما معامله نما، آمین.

ادامه دارد.....